

کتاب - ۱۴

تخریب بخواند - ک ۲۰ بخواند L

تستایح شفاخ استاد تاریخ پرفسور لولیت در مورد ~~شفاخ~~ شفاخ صلح :

وی ابتدا بیست ساله را در مورد جنب ایشان و عراق پرسید که توسط وقت برضیع ساله نام در این مورد
 ترخیص داده شد. پس شفاخ را یاد کرد که گفت در آنجا میداند سفید باشد و
 روی کتت حد قبل از آغاز جنب جهانی اول شفاخ عده بدو بود. شفاخ صلح بود زیرا جدیتر از جنب
 (منظور طلوع جنب) ساله هم بود اما جنب که شروع شد یعنی گفت در ضمن شرایطی شفاخ صلح، شفاخ مغزی
 است. شفاخ عده طرفدار اسم کاوش و انتزاع است. دو طرف هم می بینند. در دوران
 جنب خلق این دوگانه همیشه خوانا صلح هستند. سوال پیش می آید این خواست واقعی یا بی عملی
 کند؟ تبدیل جنب امپریالیستی به جنب واقعی، فوج انقلابی از جنب. اگر صلح منجر اهل انقلاب
 عمل کن. بخیر از این صلح به معنای این است که سرزنش جنب را به امپریالیستی داد و انداز می کنی.
 ساله پرورد را در نظر گرفتار حل و فصل می کنند و می آید از صلح و سرزنش صلح را به دولت می
 امپریالیستی و انداز می کنند. دولت امپریالیستی قادر نیست یک صلح عادلانه در سوکراتیک برقرار
 سازند. به این خاطر بود که در دوران جنب جهانی اول این شفاخ صلح کرد تا آغاز جنب
 جهانی روی شفاخ تک و گردید و چون ندانست، موقعیه جنب شروع می شود. در این صلح
 این سوال صلح است چه کسی میخواند صلح بدهد؟ انقلاب اکثر صلح را به همراه داشت، چرا که
 به طور انقلابی به این جنب خاتم داده شد.

فکن است کت ف رگور و عرب و امپریالیستی هر دو طرف صلح کنند، منتهی این یک صلح
 سوکراتیک نخواهد بود و مقصرین جنب مغزی را از دست نخواهند داد. روی این اصل روی
 شفاخ صلح را دقیق فکر کنید.

اعقب ندارد در اعلام این مسکن یعنی تبدیل جنب امپریالیستی به جنب واقعی قید میزدید

۲
نمایند که آن بر سر توده آشکلی می شود. این خاطر بر گزار داده شد و گفته می شد
فقط انقلاب است که صلح دیگرانیک را به همراه خواهد داشت.

تعداد دیگری را که صلح میگردیم بپیچیده تر برد. بر این اساس و بترتیب صلح کند و بعد از سه ساعت
در دانی زیدی بر فروردار شود. این شعار عبارت از شکست دولت خود برد. بعد از این شعار
دیوکیه را به منظور اعلام میگردند. معنای این شعار آن بود اوقاب مارتی که
در جنبش شرکت داشتند خوانند شکست دولت خود بردند و بعد از آن شعار بر این شرکت دولت
خود و دیوکیه بر این شرکت دولت خود میزدند. البته معنای آن این نیست که ما سر بازار
را به فرار از جبهه دشمنی به دولت کنیم. فرار از جبهه حضرت انقادی و انوار مبارزه است. فرار از جبهه
شکل مبارزه نیست. بلکه عدم شرکت در مبارزه است. ما در پارکاخ علیه اعتبارات بود چه نظامی را می میدادیم.
در ارتش و دولت جبهه سازمانها نظامی سر بازار را می میگرددیم و سر بازار را در حفظ مقدم جبهه به اعلام
برادر نیست به یکدیگر (یا به طافین) دولت میگردیم. آنرا به عدم شرکت در همه دولت میگردیم
و اگر از همه بر آمدند انقلاب کرده در اعلام دولت سازماندهی میگردیم.
موقعی که ما سخن فاشیست علیه کور در رید می فیلید، گوئیم که ما سخن کما در سخن را به کارکنان
دست میگردند. خوانند شکست دولت خود را به همه از دولت مخالف و با طرف دیگر جنبش
و با خوانند شکست دولت خود برابر هر طرف مقابل نیست. هدف استفاده از شکست برای
پیروزی خود است. "